

به مناسبت نخستین سده‌ی انقلاب بشر و طیت

حیدر عمو او غلی، جامعه‌ی ایران و ضرورت داشتن بر نامه

طیار یزدان پناه لموکی

شاید بتوان دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی رو به تکامل دنیای معاصر را - به ویژه در تعیین و تشخیص نوع مناسبات - در طی صد سال اخیر، بنا به رشد سریع و وسیع ابزار تولید به این صورت فهرست کرد. ۱- دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی در آستانه‌ی جنگ جهانی اول و پس از آن که به ایجاد کشور سوسیالیستی شوروی انجامید. ۲- جنگ جهانی دوم، پیدایی اردوگاه سوسیالیسم رشد وسیع و گسترده‌ی جنبش‌های آزادی بخش در شکل‌های مختلف، قدرت گرفتن حزب‌های چپ، سندیکاها‌ی کارگری و نهادهای مدنی در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی^۱. ۳- فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جهانی شدن اقتصاد و سیاست‌های نوین جنبش‌های اجتماعی در آغاز هزاره‌ی سوم^۲.

۱. «دولت‌ها به لحاظ سنتی همیشه مدافع قدرت خصوصی بوده‌اند. یا دولت‌ها تجسم قدرت هستند... از این حیث هم دوران پس از جنگ جهانی دوم بسیار آموزنده است در این زمان. در سراسر جهان جو رادیکال - دموکراتیک و جو انقلابی وجود داشت. این جو تا حد زیادی برمی‌گشت به جنگ و مبارزه علیه اشغال فاشیستی. آمریکا و بریتانیای کبیر به عنوان قدرت‌های پیروز، بلافاصله مجاهدت بلیغی کردند تا مقاومت ضدفاشیستی را خلع سلاح و جوامع سنتی را دوباره برقرار سازند (= یعنی برپایی دولت‌هایی که مدافع قدرت‌های خصوصی اند) در بسیاری نقاط این سیاست خشونت آمیز صورت گرفت. برای نمونه در یونان، جایی که سیاست انگلیس‌ها، اما پیش از همه سیاست آمریکا به مرگ ۱۵۰ هزار انسان منجر شد.» چامسکی، نوام، دولت‌های ملی و کنسرن‌های فراملیتی، برگردان کورش برادری، روزنامه‌ی ایران، ۱۵ آبان سال ۱۳۸۴. در چارچوب اعمال این سیاست آمریکا و انگلیس در ایران، ضمن سرکوب وسیع جنبش‌های اجتماعی در سراسر کشور به کشتار ۳۰ هزار نفری مردم آذربایجان نیز می‌توان اشاره داشت.

۲. آمریکای لاتین سرزمین جنبش‌های چریکی دیروز نمونه‌ی برجسته‌ی جنبش‌های نوین اجتماعی امروز است که در خود «نسل‌های جدیدی از مبارزان راه عدالت و سعادت زحمت‌کشان را پرورش می‌دهد...»

←

این سخن به قسمتی از بخش نخست تاریخ معاصر، مربوط به ایران که بیش تر نظر به برنامه‌ی
ارایه شده از جانب حیدر عمواغلی است، دارد. برنامه‌ای که پس از آن تاکنون، به عنوان یکی از
مرجع‌های مهم و معتبر، در تبیین و تحلیل تاریخ ایران در دوران مشروطیت، از سوی
تاریخ‌نگاران تاریخ معاصر ایران، به طور فراوان مورد استناد قرار گرفته است.

پیش از ارایه‌ی برنامه، گفتنی است، تقسیم‌بندی فرضی فوق، از آن رو صورت گرفت که این
نکته را روشن دارد که به نسبت تکامل جامعه‌ی انسانی و پیچیده شدن مناسبات اجتماعی و
انقلاب علمی - فنی، شیوه، برنامه و شعارهای مبارزاتی دو طبقه‌ی مهم درگیر در توزیع نعم
مادی با توجه به طیف‌های متحدگسترده‌ی پیرامونی خود به نسبت زمان تغییر می‌کنند.^۱

لنین در «دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک» می‌آورد: «ژاکوبن‌ها،
سوسیال دموکراسی یعنی بلشویک‌ها، پربودیست‌ها، کنگره‌ای‌ها و پرولتاریست‌ها... می‌خواهند
با شعارهای خود خرده بورژوازی انقلابی و جمهوری خواه و به خصوص دهقانان را به سطح
دموکراتیسم پی‌گیر پرولتاریا... ارتقا دهند آن‌ها می‌خواهند مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان با
سلطنت و اشراف، «پرولتاریا منشانه» تصفیه حساب کنند.» و می‌افزاید «البته معنای این، آن
نیست که ما می‌خواهیم از ژاکوبن‌های سال ۱۷۹۳ تقلید کنیم و دیدگاه‌ها، برنامه‌ها، شعارها و
شیوه‌های کار آن‌ها را بپذیریم. چنین قصدی را نداریم. ما دارای برنامه‌های جدید هستیم نه
قدیم...»^۲ و نیز در جای دیگر تاکید دارد که: «وظایف سیاسی مشخص را باید در شرایط مشخص
مطرح کرد. همه چیز نسبی است، همه چیز گذرنده است، همه چیز متغیر است.»^۳ در واقع از آن
عصر (= دوره‌ی لنین) یک سده گذشته است. شایان ذکر است در شرایط کنونی بنابه تاثیر ژرف
انقلاب علمی - فنی در زمینه‌های تولید، ارتباطات، حمل و نقل و تاثیر آن بر مبارزه‌ی سیاسی و
ایدئولوژیک جهان کنونی، به گونه‌ای است که دیگر آن نوع نگاه چندان مورد اعتنا نیست - به ویژه
سیاست‌هایی که پس از پیدایی اردوگاه سوسیالیسم در مناسبات حزب‌های کمونیست جهان
حاکم بود - زیرا به لحاظ همبستگی بین‌المللی بنابه تجربه‌ی به دست آمده (= پس از فروپاشی
اتحاد جماهیر شوروی) حزب‌های چپ محدود به یک مرکز واحد نیستند. دیگر، از دخالت

→ شاید برای نخستین بار در تاریخ آمریکای لاتین، کل قاره، در عمل به طور هماهنگ دست رد به سینه‌ی

رییس جمهوری آمریکا زد.» زوگائف، بنیادگرایی لیبرالی، روزنامه‌ی ایران، ۱۲ دی ۱۳۸۴.

۱. «جهان شاهد برخورد هرچه شدیدتر دو گرایش است. جهانی سازی الگوی آمریکایی و همگانی سازی

الگوی شورایی» زوگائف، گنادی، همان جا.

۲. لنین، همان جا، صفحه‌ی ۶۳.

۳. همان جا.

به مسایل داخلی حزب‌ها خودداری می‌شود. در ضمن تفاوت بینشی چه به لحاظ استراتژیک و تاکتیک سازمان یافتن حزب‌ها در سطح بین‌المللی نمی‌تواند باشد و همچنین به دموکراسی‌های توده‌ای یا مشارکتی که از جانب مردم راهبری می‌شود نظر دارند. زیرا نئولیبرالیزم اکنون دولت‌های ملی را به صورت ابزار نیرومند مجبور می‌کند جامعه را به تحمل ریاضت وادارد و به طور اجتناب‌ناپذیر به سرکوب شورش‌های اجتماعی پردازد

برنامه‌ی حیدر عمو اوغلی در تبیین مسایل سیاسی - اجتماعی ایران^۱

(درباره‌ی شناخت قشرها و طبقه‌ها)

ایران در شرایط کنونی در حال گذار از جامعه‌ی «پدرشاهی، ایلی و فئودالی به سوی سرمایه‌داری است». ۷۵ درصد اهالی (ایران) تخته قاپو و ۲۵ درصد آن را ایل‌های کوچنده تشکیل می‌دهند. یگانه طبقه‌ی تولیدکننده‌ی اساسی همان دهقانان هستند که اقتصاد کوچک خود را بدون استثمار دیگری اداره می‌کنند.

رنج‌های دهقانان زیر ستم^۲

۱- مالکان فئودال (=خان‌ها، آقاها و ملک‌داران) که قوای دولت‌ها پشتیبان آنان است،

۱. عنوان دهی ریوس مطالب با نگارنده‌ی این سخن است.

۲. «دهقانان در لحظه‌ی فعلی آن قدر به حفظ حتمی مالکیت خصوصی علاقه‌مند نیستند که به ضبط املاک اربابی که یکی از صور عمده‌ی این مالکیت است. دهقانان می‌توانند طرفدار کامل و اساسی انقلاب دموکراتیک باشند. بدون این که این موضوع آن‌ها را سوسیالیست بکند. و بدون آن که جنبه‌ی خرده‌بورژوازی خود را از دست بدهند... به شرط این که سیر حوادث انقلاب که باعث تنویر افکار آن‌هاست، در اثر خیانت بورژوازی و شکست پرولتاریا، خیلی زود قطع نشود. با این شرط دهقانان تکیه‌گاه انقلاب و جمهوری خواهند بود. زیرا در صورت پیروزی کامل انقلاب است که برای دهقانان در زمینه‌ی رفم‌های ارضی تحصیل همه چیز میسر خواهد شد... برای این که از منجلاص اصول (بزرگ مالکی) و از ظلمت و خواری و مذلت و چاکری خلاص شوند و شرایط زندگی خود را تا حدودی که در شرایط اقتصاد کالایی ممکن است بهبود بخشند.» لنین. دو تاکتیک... صفحه‌ی ۱۲۱. «ما هنوز برای مشروطه کردن قدرت در کشور راه دراز و پرسنگلاخی داریم و هم‌اندیشی‌ها و بررسی‌های علمی زیادی لازم است تا آرمان یک‌صد ساله‌ی مشروطه در ایران محقق شود.» حجاریان، سعید، روزنامه‌ی «شرق» دی ۸۴ «کماکان در عصر مشروطیت به سر می‌بریم.» حجاریان، شرق ۱۵ مرداد ۸۴» این نگاه بارها از جانب حجاریان (= روشنفکر دولتی) بدون تحلیل از شرایط اجتماعی - اقتصادی کنونی ایران در تطبیق با دوران انقلاب مشروطیت و پس از آن مطرح می‌شود.

دهقانان را در واقع در حال وابستگی به زمین نگه می‌دارند و نه تنها بر زمین و اموال منقول‌های آنان، بلکه بر جان آنان نیز تسلط دارند.

۲- متصدیان دوایر دولتی ایران، (اینان) همان نمایندگان قدیمی اشرافیت فئودال [هستند] چون وظایف و مقام‌های دولتی بنا به عادت‌های متداوله که تا حال هم باقی مانده‌اند خرید و فروش می‌شود. بنابراین خریدار مقام یا وظیفه به مردمی که تحت اداره‌ی او باشند به‌مثابه‌ی باج‌گزار نگاه می‌کند و تمام همش مصروف این است که حد اعلای عواید از مردم به‌دست آورد. تمامی سنگینی مالیات‌های بی‌ترتیب و وحشیانه بار دوش دهقانان است.

لومپن پرولتاریا

سرمایه‌داران اروپایی از همان آغاز رخنه به ایران به‌تقریب تمامی صنایع پیشه‌وری را که وقتی رونقی داشت به‌طور کامل محو کردند (در حال حاضر ۵ درصد، آن‌ها باقی مانده) و صدها هزار پیشه‌ور را در جرگه‌ی لومپن پرولتاریا انداخت.

طبقه‌ی لومپن پرولتاریا که از کارگران و پیشه‌وران و صنعت‌گران سابق تشکیل یافته و دهقانان ورشکسته و بی‌زمین به‌طور دایم به آن‌ها اضافه می‌شوند و قسمت مهم اهالی شهرهای ایران را به‌وجود می‌آورند. این طبقه نظر به شرایط غیرقابل تحملی که برای ادامه‌ی حیات دارد طبقه‌ای است بسیار انقلابی ولی غیرمتشکل و فاقد آگاهی طبقاتی.^۱

سرمایه‌ی تجاری

سرمایه‌ی تجاری محلی که برای ادامه‌ی حیات خود به‌طور متمادی و پایدار مبارزه کرده است، سرانجام در نتیجه‌ی آن که اعتبارات مالی به‌انحصار بانک‌های خارجی درآمد. سرکوب شد^۲ و اکنون طبقه‌ی تاجران ایرانی در سر حد ورشکستگی کامل است. وضع طبقه‌ی تاجران

۱. «کارگران دریافته‌اند که آزادی سیاسی با وجود این که به‌طور مستقیم بورژوازی را مستحکم خواهد ساخت. باوجود این برای او لازم است. کارگران راه نجات خود را در سرپیچی از مبارزه‌ی طبقاتی ندانسته بلکه در تکامل این مبارزه با بسط دامنه‌ی آن، بالا بردن سطح آگاهی و تشکل و قطعیت آن می‌دانند.» لنین، همان‌جا، صفحه‌ی ۱۳۵.

۲. «تاریخ بهره‌کشی اقتصادی و سلطه به‌وسیله‌ی سرمایه‌های خارجی، بیش‌تر کشورها... را به فقر کشانده است. سرمایه‌داران در حالی که میلیاردها دلار سود از این کشورها به‌دست آورده‌اند و برای آن‌ها میلیون‌ها دلار

به‌ویژه در شمال ایران که نظر به انقطاع داد و ستد با روسیه، دهقانان جایی برای فروش فرآورده‌های خود ندارند، سخت‌تر شده است. تاجران از یک طرف جنس از جایی وارد نمی‌کنند از طرف دیگر چون دهقانان دچار فقر و فلاکت شده‌اند، بنابراین اموال تاجران خریداری ندارد. این وضع سخت و سنگین تاجران کوچک و متوسط بورژوازی ایران تا حدی روحیه‌ی انقلابی در آنان ایجاد می‌کند.

روحانیان

روحانیان در ایران فوق‌العاده زیادند (این قشر به تقریب دارای سه میلیون نفر است) و در زندگی کشور نقش بزرگی بازی می‌کنند، زیرا که قدرت قضایی، فرهنگ مردم و کار تامین اجتماعی، همه در دست روحانیان است. روحانیان به‌طور بارز به‌دو طبقه تقسیم می‌شوند. قشر فوقانی آن [که] مجتهدند... قسمت دیگر روحانیان که بیش‌تر شهری هستند، از زمین و از املاک وقفی عواید ندارند و از لحاظ منافع اقتصادی خود به‌طور کامل به‌خرده بورژوازی وابسته‌اند. بعضی از این‌ها طرفدار اصلاحات دموکراتیک هستند و در انقلاب ۱۹۰۸ شرکت کردند.

زمین‌داران

صاحبان املاک بزرگ در ایران طبقه‌ی حاکمه را تشکیل می‌دهند (= در حدود سه هزار نفرند) و هر یک از آن‌ها ده‌ها و صدها، ده و زمین دارند که آن‌ها را به‌وسیله‌ی دهقانان آباد می‌کنند. البته اطمینان ندارند. که اگر نظام جدیدی روی کار آید بتوانند موقعیت سیاسی و وضع اقتصادی خود را کماکان حفظ کنند از این روست که تا می‌توانند از وضع موجود ارتجاعی دولت شاه و سلطه‌ی امپریالیست‌های خارجی طرفداری می‌کنند.

مالکان می‌فهمند که با سقوط تسلط اشغالگرانه‌ی خارجی‌ها تسلط آنان نیز از بین خواهد رفت و در نتیجه با هر دو دست به‌انگلیس متوسلند و با نهایت کوشش، سعی می‌کنند که نفوذ

→ بدهی به‌بار آورده‌اند... از کنگره‌ی برلین در سال ۱۸۸۴ تا زمان حاضر، کشورهای سلطه‌جو همواره منابع طبیعی [کشورهای در حال رشد را] منابع خود دانسته‌اند. «سوسیالیسم و آزادی» پنتاگون و دسترسی به‌منابع جدید نفت در آفریقا» روزنامه‌ی ایران ۱۲ آذر ۸۴. پل برمر [نخستین رییس‌جمهور از جانب آمریکا در عراق پس از صدام] روز ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) قانون ۳۹ معروفش را ابلاغ کرد. برطبق این قانون... شرکت‌های خارجی می‌توانند ۱۰۰ درصد مالکیت بانک‌ها، معدن‌ها و کارخانه‌های عراقی را از آن خود کنند و به‌این شرکت‌ها اجازه داده می‌شود که ۱۰۰ درصد سود خود را از عراق خارج کنند. «نوامی کلین، هالیبرتون عراق را می‌بلعد». شرق، ۲۴ آبان ۱۳۸۲.

خود را حفظ کنند. هرگونه نهضت انقلابی، و لو نهضت ملی علیه انگلیس با مخالفت مالکین و مقاومت مسلحانه‌ی آنان مصادف می‌شود.

طبقه‌های بالقوه‌ی انقلابی

الف: پیش از همه هزاران صنعت‌گر و پیشه‌ور ورشکسته، کارگران کارخانه‌های بسته شده و دهقانان بی‌زمین که در جست‌وجوی کار به شهرها روی آوردند.
ب: دهقانان رعیت چندین ملیونی که نه تنها از حق مالکیت بر زمین آباد کرده‌ی خود، برباغ و احشام خود محرومند، بلکه حق شخصی ندارند بی‌رحمانه از طرف مالکان و خان‌ها استثمار می‌شوند و در زیر بار سنگین بهره‌ی مالکانه و مالیات می‌نالند.
تمامی طبقه‌های نام‌برده در بالا اینک ۱۵ سال است در حال جوش و خروش انقلابی هستند. بدتر شدن وضع اقتصادی آنان موجب افزایش انرژی انقلابی آن‌ها است و روشن است که مرحله‌ی اول نهضت انقلابی باید رنگ‌رهای بی‌بخش ملی داشته باشد.^۱

راه برون‌رفت

انقلاب ایران تنها در شکل نهضت آزادی‌بخش ملی که هدف رهاندن خلق از اسارت خارجی و تثبیت استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران باشد می‌تواند به‌وجود آید و پیروزمندانه تکامل یابد. چنین انقلابی به‌وسیله‌ی خرده‌بورژوازی تجاری که یگانه طبقه‌ی قادر به‌رهبری سیاسی در ایران است رهبری خواهد شد.^۲ تنها در جریان بعدی تکامل انقلاب یعنی وقتی که

۱. برنامه‌ی دموکراتیک عام انقلاب‌های رهایی‌بخش عبارتند از: ۱- ایجاد دگرگونی در عرصه‌های سیاسی و معنوی در جهت رهایی مردم از بقایای مناسبات پدرسالاری، فئودالی و استعماری، ایجاد حیات اجتماعی دموکراتیک و استفاده از انرژی اجتماعی توده‌ها در جهت بازسازی ملی. ۲- کنترل موثر بر فعالیت سرمایه‌ی خارجی و پی‌ریزی اقتصاد ملی. ۳- برقراری کنترل بر فعالیت سرمایه‌ی محلی به‌منظور هدایت آن در راستای منافع ملی. ۴- استفاده از شکل‌های معین کنترل دولتی بر تجارت خارجی و نظام پولی داخلی. ۵- حل مساله‌ی ارضی الغای مناسبات فئودالی و ما قبل فئودالی در کشاورزی... ۶- ایجاد شبکه‌ی آموزش عمومی و تربیت فنی، تاسیس مراکزهای علمی برای تربیت کادرهای متخصص ملی... ۷- اتخاذ یک سیاست ضدامپریالیستی فعال... ۸- ارتقای چشم‌گیر سطح زندگی مردم به‌منظور گسترش بازار داخلی... (جهت) توسعه‌ی صنعت و کشاورزی... ۹- تمرکز مراکز کلیدی اقتصاد ملی در دست بخش دولتی... برو تنس، ک. ن، انقلاب‌های رهایی‌بخش... برگردان: پویا، صفحه‌ی ۱۸-۱۹.

۲. «در کلیات تئوری مارکس وجوه اختلاف سه نیروی عمده‌ی انقلاب برضد نظام کهن یعنی حکومت

توده‌های وسیع دهقانی بدان ملحق و این توده‌ها متشکل شوند وزیر رهبری حزب ما (=عدالت) قرار گیرند و زمانی که دشمن مشترک یعنی امپریالیسم خارجی که به تقریب به تمامی طبقات تعدی می‌کند، مغلوب شود، تنها در این صورت، در جریان تحکیم پیروزی، مبارزه‌ی عمومی ملی خصلت مبارزه‌ی طبقاتی به خود می‌گیرد.^۱

[اینابراین] حزب عدالت ایران در مقابل خود دو هدف نزدیک دارد: ۱- تامین اعتلا و گسترش نهضت آزادی‌بخش که هدف راندن امپریالیست انگلیس از ایران و در ارتباط ناگزیر با آن سرنگون ساختن حکومت شاه هدفش است. ۲- در جریان مبارزه علیه امپریالیست‌های انگلیس متحد و متشکل کردن دهقانان و مستمندان شهری و ایجاد خود آگاهی طبقاتی در آنان [است]. [برای دست‌یابی به این هدف‌ها نخست باید به] ایجاد عده‌ی زیادی کادر محکم حزبی [اقدام کرد]. ۲- همه‌ی نیروهای انقلابی کشور در اطراف حزب زیر پرچم آزادی‌بخش ملی علیه امپریالیست‌های خارجی و مبارزه با دولت شاه که به خارجی‌ها فروخته شده است، گردآورد. ۳- [آشنا کردن] مردم... به نقش امپریالیسم جهانی در ظلم و تعدی نسبت به توده‌های خلق و [برانگیختن] نفرت آنان علیه اشغالگران خارجی. ۴- کار تبلیغاتی در میان دهقانان و مستمندان شهری به منظور ایجاد آگاهی طبقاتی... ۵- کار تشکیلاتی وسیع بین طبقات زحمتکش، ایجاد اتحادیه‌ها و مساعدت به گسترش نهضت سندیکایی و تعاونی و دادن محتوای انقلابی به آن‌ها و رهبری مشی سیاسی آن‌ها. ۶- ایجاد نیروهای مسلح انقلابی... ۷- سرنگون ساختن دولت شاه و ایجاد نظام سیاسی نوین... بدون کنار گذاشتن خرده بورژوازی... ۸- برای انجام وظایف [آمده] در

→ مطلقه‌ی فئودالیسم آمده است که عبارتند از: ۱- بورژوازی بزرگ لیبرال. ۲- خرده بورژوازی رادیکال. ۳- پرولتاریا. اولی مبارزه‌اش از حدود سلطنت مشروطه تجاوز نمی‌کند. دومی برای نیل به استقرار جمهوری دموکراتیک مبارزه می‌کند. سومی در راه انقلاب سوسیالیستی است.» لنین، همان‌جا، صفحه‌ی ۱۰۴.

۱. «کلاسیک‌های مارکسیسم - لنینسیم همواره کسب استقلال سیاسی را یک مرحله‌ی طبیعی از مبارزه‌ی خلق‌های ستم‌دیده در راه رهایی اجتماعی تلقی می‌کردند. انگلس می‌گوید: «تا وقتی خلقی در معرض ستم تجاوزگر خارجی قرار دارد، ناچار است تمام نیرو و تلاش خود را متوجه مبارزه با دشمن خارجی کند و مادامی که سلطه‌ی خارجی زندگی داخلی‌اش را آشفته کرده است قادر به مبارزه در راه رهایی اجتماعی نیست.» بروتنفس، ک، ن، انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی و... برگردان، پویا صفحه‌ی ۱۴. «امروز در سده‌ی ۲۱ ایالت‌های متحد، امپراتوری جدیدی را براساس اردوگاه الکترونیکی کار اجباری برقرار کرده است... و در صدد کنترل بر بشر است. آمریکا کشوری است که با ۵ درصد جمعیت جهان از هیچ کاری برای کشیدن شیرهی حیاتی بقیه‌ی جهان خودداری نمی‌کند. آمریکا ۴۰ درصد مواد خام جهان را مصرف می‌کند و با ۵۰ درصد زایدی صنعتی جهان، به نحو فزاینده‌ای کره‌ی زمین را آلوده می‌کند...» زوگانف، همان‌جا.

بالا حزب باید... تاکتیک [خود را] بر پایه‌ی اتحاد همه‌ی طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط برای مبارزه علیه قاجار و امپریالیسم‌های خارجی بر پایه‌ی ارتباط نزدیک با حزب دموکرات چپ در انتخابات توافق حاصل کند و با آن‌ها در بلوک انتخاباتی وارد شود. و هم‌چنین حزب عدالت بر خود مطلوب می‌شمارد که با رهبران سرشناس نهضت آزادی بخش ملی از قبیل میرزا کوچک‌خان و امثال او همکاری کند. حزب عدالت خود را مجاز می‌داند در انتخابات مجلس که از طرف دولت شاه اعلام می‌شود شرکت کند و هم‌چنین در خود مجلس نماینده داشته باشد. ولی نه برای کار ارگانیک در آن بلکه برای استفاده از تریبون مجلس برای مقاصد انقلابی و حزبی^۱ ۹- نظر به این که خلق ایران به‌اشکال دموکراتیک حکومت عادت ندارد، حزب عدالت خواهد کوشید که نظام دولتی موجود ایران را، ولو بدون محتوای پرولتری با اشکال مشورتی حکومت تعویض کند... ۱۰- حزب عدالت... سلب مالکیت از بورژوازی تجاری را در ایران غیرممکن می‌داند و این‌گونه اقدامات را به‌بعد از پیروزی نهایی بر امپریالیست‌های خارجی موکول می‌کند. با وجود این مطلوب می‌شمارد که در جریان مبارزه با انگلستان و دولت شاه برای جلب توده‌های وسیع دهقانی به‌این مبارزه، مسالهی ارضی بدون تاخیر و به‌طور قاطع حل شود و املاک بزرگ مالکان... به‌نفع دهقانان مصادره شود... مصادره‌ی املاک بزرگ به‌منافع خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط لطمه نمی‌زند و آن‌ها را از انقلاب دور نمی‌کند... ۱۱- حزب عدالت برای بیرون راندن انگلیس‌ها از ایران ضمن همکاری نزدیک با حزب‌های خرده بورژوازی با گروه و سران نهضت نجات‌بخش ملی از قبیل کوچک‌خان هدف‌های نهایی خود را از نظر دور نخواهد داشت... حزب عدالت... از همه‌ی حزب‌ها و تشکیلاتی که حاضرند در مبارزه‌ی قطعی علیه این ستم‌کاران وارد شوند پشتیبانی خواهد کرد... این مبارزه‌ی مشکل را تنها به‌یاری همه‌ی عناصر انقلابی ایران [می‌توان] با موفقیت انجام [داد] ۱۹۲۰ میلادی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله مباحث علوم انسانی

۱. «در چه شرایطی مبارزه از بالا... صلاح است. دوران طولانی ارتجاع سیاسی در اروپا بیش از حد ما را با اندیشه‌ی اعمال نفوذ از «پایین» مایوس کرده است. بیش از حد ما را به‌مشاهده‌ی مبارزه‌ی تدافعی خود داده است. اکنون بدون شک ما وارد عصر جدیدی شده‌ایم... در این دوران... اکتفا به‌نمونه‌ی قالبی کار گذاشته جایز نیست. باید اندیشه‌ی اعمال نفوذ از «بالا» را ترویج کرد. باید برای جدی‌ترین عملیات تعرضی حاضر شد... در صورتی که اعمال نفوذ از بالا برای ما میسر نشد... اعمال نفوذ بر حکومت انقلابی موقت از پایین... وظیفه‌ی ماست. برای یک چنین فشاری از پایین، پرولتاریا باید مسلح باشد... و باید به‌وسیله‌ی سوسیال دموکراسی رهبری شود. لنین، همان‌جا، صفحه‌ی ۲۴ و ۲۵.